



دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ ۱۶ صفحه ۲۰ هزار تومان ۴ سال چهارم ۹۵۷ شماره
www.hammihaonline.ir



پیگیر قوانین منع خشونت علیه زنان هستیم

گفت‌وگو با **زهرا بهروز آذر**
معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده



جشن خونین

تیراندازی مرگبار در ساحل بوندای در استرالیا
۱۱ کشته و ۲۹ زخمی بر جای گذاشت



از کاخ الیزه تا زندان

خاطرات **نیکولاس سارکوزی** رئیس جمهور سابق فرانسه
از گذران ۲۰ روز در زندان منتشر شد



افتخار یا اسارت؟

گفتارهایی درباره **کتاب جدید فریدون مجلسی** که به ملی شدن نفت می‌پردازد

یادنامه
آندیشه
۱۶۴۱۴

**نکوداشت هشتادمین
زادروز چهره شاخص
روشنفکری دینی
با گفتارهایی از:
مصطفی ملکیان
سعید حجاریان
محمد مجتهد شبستری
عبدالعلی بازرگان
یاسر میردامادی
علی میرسپاسی**

ارزش تحول

اهمیت اصلاح طلبی
دینی و سیاسی در چیست؟



محمد جواد روح
سر دبیر

این روزها هرکس اندک نقدی‌نگی ته حسابش داشته باشد، یورش می‌برد به صندوق‌های طلای بورس یا طلای دیجیتال می‌خرد. آنها که بیشتر دارند و با این قیمت‌های مسکوکات هنوز می‌توانند، سکه واقعی می‌خرند؛ اینان ثروتمندان واقعی هستند، که نرخ این روزهای سکه و طلا، سنگ محک واقعی داشتن و نداشتن است. اما زمانی بود که مردمان به‌ویژه جوانان و دانشجویان، جای طلا، برگ زر به خانه می‌بردند. جای طلافروشی و بورس و پلتفرم‌های رمزارز و طلا، جلوی دهک‌های روزنامه‌فروشی می‌رفتند. نه فقط برای خرید روزنامه‌های سیاسی و ورزشی یا هفته‌نامه‌های زرد و حوادث، در طلب آگاهی و دانستن و آموختن هم صف می‌یستند برای خرید مجلات فکری و فلسفی. هفته‌ها و روزها را می‌شمردند تا سر ماه برسد و مجلات روی گیشه بیاید. گردون، آدینه، ایران فردا و البته، گل سرسبدشان: کیان. خانه روشن‌فکری دینی بود. فروزان‌ترین چراغش هم، عبدالکریم سروش که به‌نوعی پدر خانواده و آموزگار شاگردان حلقه کیان محسوب می‌شد. اما گفتارها و نوشتارهای سروش در کیان که بعدها در قالب کتاب‌هایی هم درآمد، همه پرتیراژ و پرمخاطب، از چه رو اهمیت داشت؟ چرا نیروهایی متعارض و متضاد، همگی در این توافق داشتند که آنچه سروش می‌گوید و آنچه کیان منتشر می‌کند، مهم است؟ چه جوانان و دانشجویانی که تشنه شنیدن حرف‌های نو بودند، چه حاکمان و فقیهانی که از این حرف‌ها خم به ابرو و خشم بر چهره می‌آوردند و چه منکران و مخالفان دین و حکومت دینی که صدایی تازه از درون ایران به گوششان می‌رسید. همه در این توافق داشتند که این حرف نو، این گفتار تازه مهم است؛ گرچه واکنش‌هایشان در برابر آن، متفاوت بود. جوانان و دانشجویان و همراهان، می‌شنیدند و باز می‌گفتند و در محافل و دانشگاه و گندهای خود به این آرای جدید استناد می‌کردند و بدین ترتیب، گفتار سروش را از قالب فکر و سخن، صورتی اجتماعی و گاه تشکیلاتی می‌بخشیدند و آن را چون مینا و محور بسیج و پیوند می‌دیدند. **۱۵**

ارزیابی فعالان سیاسی از هشدار اخیر مسعود پزشکیان به دوقطبی سازان

گزارش
سیاست
۴۰۵

جریان مردم آزاد

سرمقاله

فشار به مردم چرا؟

یکی از دو گزارش اصلی شماره امروز «هم‌میهن»، درباره دستورالعمل در حال تدوین برای مقابله با خشونت علیه زنان و گزارش دیگر درباره سخنان اخیر آقای پزشکیان در مخالفت با فشار علیه مردم است. ادبیات آقای پزشکیان خاص خودش است. مسائل را خیلی ساده و روان مطرح می‌کند؛ حتی اگر به لحاظ نظری و تحلیلی پیچیده باشد. وی اخیراً از فشار بی‌جهت به مردم و نارضاضی‌سازی آنان و نیز جریان‌سازی در ماجرای ماراتن کیش انتقاد کرده است. روشن است اختلاف بر سر مصداق فشار بر مردم است؛ زیرا انسان هم که مشغول فشار آوردن هستند، معتقدند که این کارها لازم و طبیعی است و چه‌بسا آن را در ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر تعریف کنند. ولی واقعیت این است که ظاهراً آقای پزشکیان این برداشت را قبول ندارد و میان اعتقادات شخصی با امر اجتماعی تمایزی قائل است. در واقع، آن‌گونه که مشاهده می‌شود در حوزه رفتار شخصی چارچوب‌هایی را قبول دارد که لزوماً قبول و انجام آنها را بر دیگران الزامی نمی‌بیند. به نظر می‌رسد که نگاه وی به پوشش یا چگونگی حضور زنان در عرصه عمومی اسری برآمده از دل تحولات متعارف اجتماعی است. این مسئله نه فقط درباره پوشش زنان، بلکه نسبت به مفهوم خشونت علیه زنان نیز تسری می‌یابد. مسئله این است که برخی از نیروهای سیاسی که ابزار مهمی در قدرت دارند، نمی‌خواهند تغییرات اجتماعی را طبیعی بدانند و آن را بپذیرند. البته، برخی از تغییرات را که به سود خود بدانند، می‌پذیرند و حتی به تغییراتی هم که نامشروع می‌دانند اگر در جهت منافع و تحکیم قدرت خودشان باشند، تن می‌دهند و حتی استقبال می‌کنند. ولی به‌طور کلی، بنیان تغییر را قبول ندارند و رد می‌کنند. نمونه رفتار ریاکارانه آنان را در ماجرای ماراتن کیش می‌توان دید. این برنامه در تمام سال‌های دولت خودشان برقرار بود؛ ولی هنگامی که توانستند بلافاصله در این دولت بازی درآورند، فریاد «والسلاما» و «حجاب رفت» و «متدینان آزاده‌خاطر شدند» درآوردند؛ گویی خاطر مومنین در دولت‌های اصولگرا اصلاً آزاده نمی‌شود، چون خیالشان جمع است. مسئله خشونت علیه زنان هم از همین نوع است. ۸ سال است که این لایحه به مجلس داده شده، ولی هنوز به سرانجام نرسیده؛ درحالی‌که لویج محدودکننده علیه زنان به سرعت و با تندترین رویکردها تصویب و نهایی می‌شود. این نگاه، مردسالاری خود را پشت اسلام پنهان کرده و درکی از جایگاه زنان در جامعه امروز ندارد و برخلاف ادعایش زن را موجودی با حقوق اندک در برابر مرد می‌بیند و می‌خواهد این نگاه را به نام دین غالب کند و همین موجب دوری بسیاری از زنان و جوانان از دین شده است. خشونت علیه زنان و دختران، دیگر چون گذشته منحصر به زدن با چوب و شلاق نیست، هرچند هنوز هم مواردی از این رفتار وجود دارد که مراجع رسیدگی کننده چنان که باید حساسیت کافی به خرج نمی‌دهند. ولی مسئله این است که در جامعه امروزی معنا و مصادیق خشونت گسترش یافته است و حکومت و جامعه ایران هم باید در حدود متعارف به این تحولات احترام بگذارد. به‌ویژه که پیشتر با بسیاری از آنها از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی موافقت کرده‌ایم.

طرح: هادی خیدری / هم‌میهن